



یادداشت

جنبش مردمی و آزمودن آزمون های شکست خورده سرکوبگران!

صادق کار



در ششمین روز خیزش تازه مردم ایران علیه حجاب اجباری، استبداد و بی عدالتی، در حالیکه بیش از ۹۰ شهر خرد و کلان کشور به میدان رزم و اعتراض مردم به جان آمده از ستم و بیداد و فقر و فساد با پاسداران ظلم و بی عدالتی تبدیل شده و فریاد آزادیخواهی مردم ایران سراسر کشور را در نوردیده و انعکاس جهانی پیدا کرده اعوان و انصار استبداد و فساد که راه حلی برای بحرانهای کشور ندارند بجای کناره گیری از قدرت غصب کرده و تمکین به خواسته های مردم در حال برنامه ریزی برای سرکوب مردم هستند.

رسانه های بی مشرتی و رونقی چون کیهان، جوان، تسنیم، همشهری و فارس.. که هزینه های شان را تمام و کمال از بودجه عمومی می گیرند، همراه دیگر نهادهای مفتخور وابسته به قدرت با دروغ پراکنی و وارونه گری حقایق در مورد خیزش مردم مشغول فراهم کردن زمینه های سرکوب آن هستند. انکار ضرب و شتمی که منجر به قتل مهسا امینی دختر جوان ۲۲ ساله شد، نسبت دادن اعتراضات به بیگانگان، دفاع از قتل مهسا توسط گشت ارشاد، زدن اتهامات دروغ به معترضان... تنها بخشی از لجن پراکنی و سیاه نمایی رسانه های مدافع استبداد و بی عدالتی هستند. بعنوان نمونه روزنامه کیهان که نقش خط دهنده به رسانه های مدافع استبداد را دارد در یادداشتی که در ۳۱ شهریور در یکی از روزنامه ها باز نشر شد، از تظاهرات طرفداران رژیم در یکی دو روز آینده خبر داد که قرار است به زعم کیهان حساب معترضین را کف دستشان بگذارند و نوشت: "به گزارش «انتخاب»، کیهان در ادامه نوشت: «طی یکی دو روز گذشته، برخی از شهروندان در نقاطی از شهرهای کشور با برگزاری تجمعاتی، ضمن اعلام همدردی با ضایعه درگذشت



مهسا امینی، خواستار اعلام نتایج تحقیقات پزشکی و اعلام شفاف جزئیات ماجرا از جانب مسئولان درباره این پرونده شدند. با اینکه مسئولان ذریبط هم پلیس، هم پزشکی قانونی و هم کمیته حقیقت‌یاب مجلس شورای اسلامی، هرگونه ضرب و شتم و یا برخورد فیزیکی با آن مرحومه را تکذیب کردند و مسئولان قوای سه‌گانه خواستار بررسی و پیگیری دقیق ابعاد ماجرا شدند، اما با این حال، ماجرای گشت ارشاد و درگذشت مهسا امینی بهانه‌ای شد تا اغتشاشگران، بانیان و صحنه‌گردانان فتنه‌های ۷۸ و ۸۸ از معاندین و ضدانقلاب خارج نشین تا پادوهای داخلی غرب به میدان بیایند و سناریوی دیگری از آشوب‌های خیابانی را در ایران کلید بزنند. کیهان طوری وقایعی را که به خیزش منجر شد چینه‌ش می‌کند که گویی به قتل رساندن مهسا امینی در ستاد گشت ارشاد هم توطئه از پیش طرح ریزی شده خارجی بوده است

تهدیدات و دروغ‌پردازی‌های کیهان و حسین شریعتمداری از سر بازجویان شکنجه‌گران قتلگاه اوین و نماینده خامنه‌ای در روزنامه کیهان تازگی ندارد. از زمان جنبش ۸۸ و سرکوب آن و جنبش‌های دی ۹۶ و خرداد ۹۸ و اعتراضات مردم و کشاورزان اصفهان و خوزستان و جنبش کیهان همین دروغ‌ها را مطرح و سعی کرده‌ته مانده نیروهای طرفدار استبداد و ارتجاع را علیه جنبش‌های مردمی به صحنه بیاورد. اما هر بار کمتر از دفعه پیش در این کار توفیق پیدا کرده است. اکنون دیگر تنها تفنگچی‌ها و چماقداران و اوباشان جیره‌خوار رژیم یعنی همین‌هایی که الان مشغول سرکوب تظاهرکنندگان هستند که روزنامه کیهان و امثالهم می‌کوشند آنها را بعنوان مردم جا بزنند. مروری بر روزنامه‌هایی که در کشور منتشر می‌شوند نشان از مخالفت بخشی از ته‌مانده‌ها و اداران رژیم با اعمال رژیم خصوصاً نسبت به حجاب اجباری دارد. تظاهرات مردمی و واقعی همین است که این روزها مردم با سینه‌های سپر کرده در مقابل گلوله‌های سرکوبگر و کشته و مجروح شدن مشغول آن هستند. فرق این تظاهرات با آن تظاهراتی که شریعتمداری‌ها در پی سرهم بندی کردن آن هستند از زمین تا آسمان است. در این تظاهرات بجای ساندیس و حواله کالا و پاداش نقدی و جنسی گلوله و گاز اشک‌آور و باتوم و زندان و شکنجه و اخراج، در انتظار تظاهرکنندگان است. خیزش جاری بار دیگر و با وضوح هرچه تمامتر شکست راه کار سرکوب این آخرین تیر ترکش رژیم را عیان کرد. مردم مطالباتی دارند که این رژیم نه قادر به پاسخ دادن به آنهاست و نه می‌تواند مردم را با زور از طلب مطالباتشان منصرف کند. مردم هم نمی‌توانند از مطالباتشان دست بکشند. یعنی تحول در ایران امری اجتناب‌ناپذیر است. سرکوب آزمون شکست خورده‌ای است که به کرات در رژیم فقها آزموده شده و نتوانسته است مردم را وادار به سکوت و دست‌کشیدن از مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی کند.

آری رژیم به راستی، منزوی‌تر از هر زمانی در طول ۴۰ سال گذشته است و افراد و جریان‌های بدنام و بدخویی امثال حسین شریعتمداری و اسداله و دهند. فریادهای جوانان و زنانی که یک هفته است خیابانهای شهرهای کشور را با فریاد مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه‌ای، زن، زندگی، آزادی و دیگر شعارهای عدالتخواهانه، به تسخیر خود درآورده‌اند، گواه روشن دیگری بر فرا رسیدن پایان کار رژیمی است که جز فقر و بیداد و فساد و عقب‌ماندگی و سرکوب و کشتار برای کشور و مردم نداشته است

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

با اعتصاب و اعتراض و پیوستن به جنبش آزادیخواهانه سراسری مردم از آن حمایت کنیم!

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

جان زندانیان سیاسی در خطر است، همه با هم متحدانه برای آزادی‌شان مبارزه کنیم

آیا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟ بخش یازدهم

"تحلیل انتقادی برنامه های دولت به عنوان "کارفرمای ملجأ نهانی"
هیو استورجس



حمایت گسترده جوانان از طرح تضمین اشتغال توسط برنی سندرز

چنان که در فصل 1 اشاره شد، ریشه های فکری نظریه پولی مدرن در کینزیسم، چارتالیسم** و تئوری نظریه پولی مدرن بر این واقعیت استوار است که دولت های دارای "مالیه عملکردی" آبا لرنر*** نهفته اند پول مستقل محدودیتی در مقدار پولی که می توانند چاپ کنند، ندارند. برابر این نظریه، از آنجایی که دولت [امریکا] می تواند هر مقدار دلاری را که بخواهد، چاپ کند، پس مخارج آن توسط درآمدهای واقعی اش محدود نمی شود، بلکه محدودیت مخارج دولت ناشی از محدودیت منابع واقعی اقتصادی است و این محدودیت است که موجب افزایش تورم می شود. طرفداران نظریه پولی مدرن استدلال می کنند...

اثرات "تضمین اشتغال" بر اقتصاد کلان

ادعای مرکزی "تضمین اشتغال"* این است که این برنامه می تواند همزمان اشتغال کامل و ثبات قیمتها را تأمین کند. این ادعا خلاف نظر کسانی است که طرفداران "تضمین اشتغال" آنها را دارای نظرات اقتصادی ارتدوکس می دانند. بنا به این نظر نوعی کشاکش دائمی بین این دو (اشتغال کامل و ثبات قیمتها) وجود دارد. مثلاً موسلر (Mosler) صراحتاً می گوید: "امروزه سیستم پولی مورد استفاده در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی می تواند همزمان هم اشتغال کامل و هم ثبات قیمتها را در کوتاه مدت و بلندمدت فراهم آورد." از این رو بررسی ای در باره "تضمین اشتغال" باید به هر دوی این وجوه بپردازد. در فصل 4 این نوشته به ادعای "اشتغال کامل" پرداخته خواهد شد. فصل حاضر به بررسی ادعای دوم



اختصاص دارد، دایر بر این که "تضمین اشتغال" ثبات قیمتها را به گونه ای بهتر از روشهای جاری متحقق می سازد.

تأثیر "تضمین اشتغال" بر ثبات قیمتها دولایه است. لایه اول هزینه این برنامه و بنابراین طریق تأمین بودجه آن است، و لایه دوم رفع بیکاری و پیامدهای آن برای ساختار دستمزد در بخش خصوصی. فصل حاضر به ترتیب این دو لایه را برمی رسد.

موضوع نخست، یعنی هزینه های برنامه، با رجوع به مدل های اقتصادی ای بررسی می شوند که طرفداران "تضمین اشتغال" عرضه کرده اند. بیشتر این مدلها بر نظریه پولی مدرن در مکتب اقتصادی پساکینزی متکی اند. در این فصل چکیده ای از این نظریه ارائه خواهد شد و ادعاهای اصلی آن تحلیل خواهند شد. لازم به تصریح است که برخی از طرفداران "تضمین اشتغال" بر این نظر اند که این برنامه و نظریه پولی مدرن قابل تفکیک نیستند و "تضمین اشتغال" بدون پذیرش نظریه مذکور فاقد ارزش است. اما من این دو را قابل تفکیک می دانم و بر این نظر نیستم که پشتیبانی از "تضمین اشتغال" مستلزم پذیرش نظریه پولی مدرن است. در واقع تجزیه و تحلیل تئوری مذکور در این فصل نشان خواهد داد که این تئوری بسیار بی اهمیت تر از آن است که ممکن است به گوش آید.

پول مدرن و نارضایتی ها از آن

چنان که در فصل 1 اشاره شد، ریشه های فکری نظریه پولی مدرن در کینزیسم، چارتالیسم** و تئوری "مالیه عملکردی" آبا لرنر*** نهفته اند. نظریه پولی مدرن بر این واقعیت استوار است که دولت های دارای پول مستقل محدودیتی در مقدار پولی که می توانند چاپ کنند، ندارند. برابر این نظریه، از آنجایی که دولت [آمریکا] می تواند هر مقدار دلاری را که بخواهد، چاپ کند، پس مخارج آن توسط درآمدهای واقعی اش محدود نمی شود، بلکه محدودیت مخارج دولت ناشی از محدودیت منابع واقعی اقتصادی است و این محدودیت است که موجب افزایش تورم می شود. طرفداران نظریه پولی مدرن استدلال می کنند که کارکرد واقعی مالیاتها و فروش اوراق قرضه، تخلیه نقدینگی اضافی از اقتصاد به منظور مدیریت تقاضا و تثبیت نرخ سود است، که در عین حال امکانی است برای بخش خصوصی تا میزان مطلوب اش را پس انداز کند.

آنها همچنین استدلال می کنند که دولت باید از "قوانین" مالیه عملکردی، چنان که توسط لرنر تدوین شده اند، پیروی کنند**. به زعم لرنر هزینه های دولت باید بر این اساس تعیین شوند و صورت گیرند که چه سطحی [از آنها] برای به کارگیری کل منابع اقتصادی لازم است، و نه بر اساس درآمدهای دولت. نیز این که میزان مالیات و فروش اوراق قرضه باید مبتنی بر این معیار باشد که خروج چه میزان پول از بخش خصوصی مطلوب است، و نه بر اساس مخارج مورد نظر دولت. بنابراین، ادعای مقدم طرفداران نظریه پولی مدرن این است بحث در باره هزینه های "تضمین اشتغال" در واقع بحث زائدی است و می توان از آن صرف نظر کرد. ورای (Wray) تصریح می کند که "حتی اگر هزینه ها دو یا سه برابر، یا نصف، هم باشند، این هیچ چیز اساسی را تغییر نمی دهد و از نظر اقتصادی مهم نیست؛ البته ممکن است از نظر سیاسی مهم باشد. او همچنین اعلام می کند که "فروش برنامه تضمین اشتغال کار دشواری خواهد بود، مگر در موارد خاص، یا مگر این که اصول مالیه عملکردی و چارتالیسم (بخوان چاپ پول بی پشتوانه) درک شده باشند." اما گذاشتن "تضمین اشتغال" بر چنین پایه لرزانی عاقلانه و مستدل به نظر می رسد. بودجه یک برنامه برای تضمین اشتغال می تواند از طریق ترکیبی از مالیاتها و چاپ اوراق قرضه تأمین شود. نکته اساسی تر این که به نظر نمی رسد استدلال نظریه پولی مدرن به نتایج رادیکالی که طرفداران آن ادعا می کنند، منجر شود.



* در متن حاضر اصطلاح تضمین اشتغال در معنای عام آن منظور است، و "تضمین اشتغال" (در داخل گیومه) در معنای خاص آن، که در بخش 1 این مقاله چنین تعریف شده است:

"تضمین اشتغال" ظرفیت بینهایت منعطفی را برای نیروی کار فراهم می آورد؛ یک امکان همگانی برای همه، بدون هیچ آزمونی، یا با این و آن محدودیت زمانی یا محدودیت عددی.

دستمزد این برنامه برای کارگران، حداقل دستمزد است. از این قرار این برنامه کارگران تحتانی در بازار کار را استخدام می کند. بنابراین با دیگر کارگران در بازار کار به رقابت برنمی خیزد و فقط کارگرانی را استخدام می کند که در غیر این صورت بیکار خواهند ماند. دستمزدها به نحو "برونزا" تثبیت شده اند، به این معنا که توسط دولت تعیین می شوند و بنابراین افزایش دستمزد به منظور حفظ کارگران رخ نمی دهد.

"تضمین اشتغال" نوعی اشتغال کامل "سست" است، به این معنا که کارگران آزادند، زمانی که چشم انداز شغلی بهتری وجود دارد، "به میل خود" از آن بیرون روند و به بازار کار معمولی بپیوندند. بنابراین نیروی کار تحت پوشش این برنامه نسبت به شرایط اقتصاد به طور معکوس تغییر می کند. برنامه "تضمین اشتغال" به طور خودکار تنظیم می شود تا نیروی کار لازم مشاغل معین را فراهم کند؛ بنابراین موجب تقاضای اضافی برای نیروی کار نمی شود.

کارگران برنامه، کارهای اجتماعی مفیدی را انجام می دهند، اما نه کارهای مرسوم را که مداوماً توسط "خط اصلی" در بخش عمومی انجام می شوند. طرفداران "تضمین اشتغال" طیف تقریباً نامحدودی از فعالیتها را پیشنهاد می کنند که می تواند به کارگران برنامه سپرده شود. از آن جمله اند: مراقبت از کودکان و سالمندان، طرحهای محیط زیستی، فعالیتهای جمعی و خدمات اجتماعی از طریق بخش غیرانتفاعی. شرط انجام یک پروژه در چارچوب "تضمین اشتغال" این است که پروژه به نحوی دارای یک منفعت اجتماعی باشد.

** چارتالیسم، در اقتصاد کلان، یک نظریه خلاف آموزشهای مرسوم در باره پول است دایر بر این که پول از نظر تاریخی با تلاش دولتها برای هدایت فعالیتهای اقتصادی سرچشمه گرفته است و نه به عنوان راه حلی خودجوش برای مبادله کالا یا به عنوان وسیله ای برای ثبت بدهیها. بنا به چارتالیسم پول بدون پشتوانه (پول فیات) دارای ارزش مبادله است، زیرا متکی بر یک قدرت حکومتی است که بر فعالیتهای اقتصادی مالیات می بندد و این مالیات می تواند با همان پول فیات پرداخت شود.

*** نظرات آبا لرنر در بخش چهارم این نوشته تشریح شده اند.

همه با هم علیه سرکوب جنبش سراسری متحدانه مبارزه کنیم!

از اعتصاب معلمان و کارگران و دانشجویان و دانش آموزان حمایت کنیم!

در هر کجا که هستیم از همه امکانات برای بسیج افکار عمومی علیه کشتار و

سرکوب معترضان بهره بگیریم!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته جنگ کارگری



یک توضیح ضرور: گذر و نظر این هفته را به بیانیه های تشکلهای مستقل کارگری راجع به خیزش مردمی در یک هفته اخیر اختصاص داده ایم. تشکلهای مختلف همگی بدون استثنا بطور هماهنگ مرگ مهسا امیری و سرکوب اعتراضات مسالمت آمیز و بر حق مردم را محکوم و حمایت و همبستگی خود را با آن اعلام کرده اند.

یک توضیح ضرور: گذر و نظر این هفته را به بیانیه های تشکلهای مستقل کارگری راجع به خیزش مردمی . در یک هفته اخیر اختصاص داده ایم. تشکلهای مختلف همگی بدون استثنا بطور هماهنگ مرگ مهسا امیری و سرکوب اعتراضات مسالمت آمیز و بر حق مردم را محکوم و حمایت و همبستگی خود را با آن اعلام کرده اند. حکومت فاسد و مستبد با وجود حمایتهای گسترده ای که از این خیزش متکثر و آزادیخواهانه در جامعه انجام شده و می شود، از آنجا که راه کار دیگری برای پاسخ دادن به مطالبات مردم ندارد این بار نیز به رغم بی نتیجه ماندن اقدامات سرکوبگرانه تا کنونی اش قصد سرکوب مردم و نادیده انگاشتن مطالبات بر حق شان را دارد و تحمل هیچ اعتراضی از جانب هیچ کس را ندارد تا جایی که به خاطر لباس و روسری تا پای قتل دختران و زنانی که حاضر نیستند تن به حجاب اجباری مد نظر متحجرین و واپسگرایان حکومتی بدهند پیش رفته است. اعتراض زنان البته محدود به حجاب اجباری نیست. آنها خواهان رفع تبعیضات زیادی که در حق زنان اعمال می شود و برابری حقوقی در تمام زمینه ها و داشتن فرصت های مساوی با مردان هستند. طبقه کارگر و تشکلهای سیاسی و سندیکایی در ایران از آغاز شکل گیری جنبش کارگری تا کنون همواره از برابر حقوقی زنان با مردان در همه عرصه ها حمایت کرده و در واقع برای ده ها سال جنبش کارگری یگانه جنبش مدافع حقوق زنان و مبارزات آنان بوده است. اکنون نیز که محرک خیزش اخیر مسئله حقوق زنان است و زنان آزاده و حق طلب میهن استبداد زده نقش عمده را در آن ایفا می کند و ضربات سختی بواسطه این خیزش بر متحجرین و مستبدین زن ستیز وارد شده است، تشکلهای و احزاب کارگری همگی به حمایت از خواسته های این خیزش عمیقاً دمکراتیک و تحول خواه برخاسته اند. این سطح از حضور جنبشی زنان یقیناً ولو اینکه بطور موقت هم سرکوب شود، اثرات عمیق و مثبت آن بر رویدادهای ترقی خواهانه حال و آینده ایران پا بر جا خواهد ماند و بیشترین ثمر از این حضور را کارگران و مزدبگیران و دیگر زحمتکشان خواهند برد



بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

(<https://t.me/vahedsyndica/4854>) از مبارزات و اعتراضات سراسری مردم حمایت می کنیم

اعتراضات مردمی به قتل بیرحمانه مهسا (ژینا) امینی توسط نیروهای گشت ارشاد در پنجمین روز خود به بیش از ۸۰ شهر گسترش یافت. تعداد زیادی از مردم در اثر برخورد خشونت بار نیروهای امنیتی و انتظامی کشته، زخمی و بازداشت شده اند. عده ای همچنان مفقودالائرنند. گروهی از فعالین مدنی، کارگری و معلمی نیز در میان بازداشت شدگان هستند.

اگر چه مرگ دلخراش مهسا امینی شعله اعتراضات روزهای اخیر را روشن کرد، اما نارضایتی گسترده از شرایط موجود و چهار دهه برخورد های خشونت بار نسبت به مطالبات مردم و بویژه سرکوب حقوق زنان و جوانان و مردم تحت ستم در سراسر کشور به خصوص در مناطق محروم شده کشور، پیش زمینه این اعتراضات بود. در بستر تراکم انزجار و خشم عمومی از این همه ظلم و ستم لجام گسیخته، مردم معترض و بالاخص جوانان کشور، میادین شهرهای بزرگ و کوچک را به صحنه اعتراضات گسترده و سوزاندن روسری ها و برداشتن حجاب از سر تبدیل کرده و دانشگاهها در تهران، تبریز و چندین شهر دیگر با شعارهایی نظیر «ایرانی، ماشینتو خاموش کن»، که اشاره ای است به نیاز به اعتصابات عمومی و سراسری، و «زن، زندگی، آزادی» به اعتراضات پیوستند.

در کردستان اعتصابات و اعتراضات بسیار گسترده ای صورت گرفته است و نیروهای سرکوب با شلیک مستقیم به مردم معترض در شهرهای مختلف کردستان دست به سرکوبی وحشیانه و کشتن معترضین زده اند.

در تهران نیز شاهد اعتراضات خیابانی و درگیری مردم با نیروهای سرکوبگر در مناطق مختلف شهر بوده ایم. در این میان عوامل اطلاعاتی و امنیتی با بهره بردن از صداوسیما که مورد نفرت اکثریت مردم میباشد در دروغ پردازی در مورد بیماری های ساختگی برای مهسا امینی در صدد سرپوش گذاشتن بروی این جنایت آشکار بوده اند که پدر و مادر مهسا شجاعانه تمام دروغ پردازی و مستند سازی ها را تکذیب کردند.

با این وجود مقامات حکومتی از سناریوسازیهای کاذب و تکراری دست بر نمیدارند و ادعا کرده اند که در اعتراضات مردمی «ردپای مداخله برخی از سفارتخانهها و سرویسهای خارجی به وضوح مشاهده می شود». یادآوری میکنیم که در حال حاضر دو نفر از اعضای سرشناس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، و بسیاری از دیگر فعالین کارگری و معلمی شناخته شده و خوش نام، با همین سناریو سازی ها، دروغ پردازی ها و اتهامات بی پایه و اساس مشابه ماهها است که در بازداشت نا عادلانه به سر میبرند. همانطور که تمامی بازداشتیان کارگری و معلمی نشان داده اند اعتراضات کارگری، معلمی و دانشجویی، اعتراضات آزادیخواهانه و عدالت طلبانه زنان، از جمله علیه حجاب اجباری، و مبارزات و اعتراضات دیگر گروههای برابری طلب در جامعه ریشه در گسترش بی عدالتی، فقر، فساد و سرکوب لجام گسیخته ابتدایی ترین حقوق کارگران، زنان، جوانان و کلیه اقشار زحمت کش و محروم کشور دارد. اعتراضات روزهای اخیر در سراسر کشور در کف خیابان و توسط زنان و مردان و فرزندان به ستوه آمده کشور ما و بدون اتکا به هیچ دولت و «سفارت خانه و سرویسهای خارجی» به پیش رفته اند. این دروغ پردازی ها و سناریو سازیهای نخ نما تکراری فقط برای گرفتن مجوز برای سرکوب جوانان محروم و معترض به ظلم و ستم حاکم در کشور است و نشان میدهد که قصد دارند بار دیگر بطور فله ای دست به بازداشت و شکنجه و آزار معترضان آزادیخواه و حق طلب که از ستم و ظلم حاکمیت به ستوه آمده اند، بزنند. ما کارگران و مردم زحمتکش و تحت ستم ایران خوب میدانیم که بانی و مسبب تمام اعتراضات سراسری در کشور حاکمیت شما و مقامات ریز و درشتتان است.



سندیکای کارگران شرکت واحد انوبوسرانی تهران و حومه بار دیگر قتل فجیع مهسا امینی و سرکوب خونین معترضین به این جنایت آشکار که دنیا را تکان داد را قویا محکوم میکند. سرکوب باید فوری متوقف گردد. کلیه بازداشت شدگان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند، اعتراض و اعتصاب و دادخواهی حق بلامنازع مردم سراسر کشور است و حاکمیت بداند که دیگر سرکوب و دسیسه و سناریوسازیهای دروغین راه به جایی نخواهند برد و امواج سهمگین اعتراضات و اعتصابات سراسری به حق تمامی سرکوب گران را با خود خواهد برد.

اعلامیه سندیکای کارگران شرکت واحد

از مبارزات و اعتراضات سراسری مردم حمایت می (<https://t.me/syndicaTASAVIR/723>) کنیم (<https://t.me/vahedsyndica/4854>)

اعتراضات مردمی به قتل بیرحمانه مهسا (ژینا) امینی توسط نیروهای گشت ارشاد در پنجمین روز خود به بیش از ۸۰ شهر گسترش یافت. تعداد زیادی از مردم در اثر برخورد خشونت بار نیروهای امنیتی و انتظامی کشته، زخمی و بازداشت شده اند. عده ای همچنان مفقودالائرنند. گروهی از فعالین مدنی، کارگری و معلمی نیز در میان بازداشت شدگان هستند.

اگر چه مرگ دلخراش مهسا امینی شعله اعتراضات روزهای اخیر را روشن کرد، اما نارضایتی گسترده از شرایط موجود و چهار دهه برخوردهای خشونت بار نسبت به مطالبات مردم و بویژه سرکوب حقوق زنان و جوانان و مردم تحت ستم در سراسر کشور به خصوص در مناطق محروم شده کشور، پیش زمینه این اعتراضات بود. در بستر تراکم انزجار و خشم عمومی از این همه ظلم و ستم لجام گسیخته، مردم معترض و بالاخص جوانان کشور، میادین شهرهای بزرگ و کوچک را به صحنه اعتراضات گسترده و سوزاندن روسری ها و برداشتن حجاب از سر تبدیل کرده و دانشگاهها در تهران، تبریز و چندین شهر دیگر با شعارهایی نظیر «ایرانی، ماشینتو خاموش کن»، که اشاره ای است به نیاز به اعتصابات عمومی و سراسری، و «زن، زندگی، آزادی» به اعتراضات پیوستند.

در کردستان اعتصابات و اعتراضات بسیار گسترده ای صورت گرفته است و نیروهای سرکوب با شلیک مستقیم به مردم معترض در شهرهای مختلف کردستان دست به سرکوبی وحشیانه و کشتن معترضین زده اند.

در تهران نیز شاهد اعتراضات خیابانی و درگیری مردم با نیروهای سرکوبگر در مناطق مختلف شهر بوده ایم. در این میان عوامل اطلاعاتی و امنیتی با بهره بردن از صداوسیما که مورد نفرت اکثریت مردم میباشد دروغ پردازی در مورد بیماری های ساختگی برای مهسا امینی در صدد سرپوش گذاشتن بروی این جنایت آشکار بوده اند که پدر و مادر مهسا شجاعانه تمام دروغ پردازی و مستند سازی ها را تکذیب کردند.

با اینوجود مقامات حکومتی از سناریوسازیهای کاذب و تکراری دست بر نمیدارند و ادعا کرده اند که در اعتراضات مردمی «ردپای مداخله برخی از سفارتخانهها و سرویسهای خارجی به وضوح مشاهده می شود». یادآوری میکنیم که در حال حاضر دو نفر از اعضای سرشناس سندیکای کارگران شرکت واحد انوبوسرانی تهران و حومه، و بسیاری از دیگر فعالین کارگری و معلمی شناخته شده و خوش نام، با همین سناریو سازی ها، دروغ پردازی ها و اتهامات بی پایه و اساس مشابه ماهها است که در بازداشت نا عادلانه به سر میبرند. همانطور که تمامی بازداشتیان کارگری و معلمی نشان داده اند اعتراضات کارگری، معلمی و دانشجویی، اعتراضات آزادیخواهانه و عدالت طلبانه زنان، از جمله علیه حجاب اجباری، و مبارزات و اعتراضات دیگر گروههای برابر طلب در جامعه ریشه در گسترش بی عدالتی، فقر، فساد و سرکوب لجام گسیخته ابتدایی ترین حقوق کارگران، زنان، جوانان و کلیه اقشار زحمت کش و محروم کشور دارد. اعتراضات روزهای اخیر در سراسر کشور در کف خیابان و توسط زنان و مردان و فرزندان به ستوه آمده کشور ما و بدون اتکا به



هیچ دولت و «سفارت خانه و سرویسهای خارجی» به پیش رفته اند. این دروغ پردازی ها و سناریو سازیهای نخ نماي تکراری فقط برای گرفتن مجوز برای سرکوب جوانان محروم و معترض به ظلم و ستم حاکم در کشور است و نشان میدهد که قصد دارند بار دیگر بطور فله ای دست به بازداشت و شکنجه و آزار معترضان آزادیخواه و حق طلب که از ستم و ظلم حاکمیت به ستوه آمده اند، بزنند. ما کارگران و مردم زحمتکش و تحت ستم ایران خوب میدانیم که بانی و مسبب تمام اعتراضات سراسری در کشور حاکمیت شما و مقامات ریز و درشتان است.

سندیکای کارگران شرکت واحد انوبوسرانی تهران و حومه بار دیگر قتل فجیع مهسا امینی و سرکوب خونین معترضین به این جنایت آشکار که دنیا را تکان داد را قویا محکوم میکند. سرکوب باید فوری متوقف گردد. کلیه بازداشت شدگان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند، اعتراض و اعتصاب و دادخواهی حق بلا منازع مردم سراسر کشور است و حاکمیت بداند که دیگر سرکوب و دسیسه و سناریو سازیهای دروغین راه به جایی نخواهند برد و امواج سهمگین اعتراضات و اعتصابات سراسری به حق تمامی سرکوب گران را با خود خواهد برد.

چاره زحمت کشان وحدت و تشکیلات

اعلامیه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

در محکومیت به قتل ژینا امینی

مهسا " ژینا " امینی دختر ۲۲ ساله ی سقزی که در روز سه شنبه ۲۲ شهریور توسط گشت ارشاد در ایستگاه متروی حقانی تهران بازداشت شده بود بعد از دو ساعت بیکر نیمه جان او تحویل بیمارستان کسری داده می شود

متاسفانه ژینا امینی در عصر روز جمعه ۲۵ شهریور ماه ۱۴۰۱ در بیمارستان کسری بر اثر ضربه مغزی جانباخت.

این اولین بار نیست که زنان جامعه ما مورد ضرب و شتم و بازداشت قرار می گیرند، این اولین بار نیست که جان شیرین زنان و دختران این سر زمین قربانی سیاست های ضد زن و مرد سالارانه می شود، و متاسفانه تا زمانی که سرمایه سالاری و مرد سالاری حاکم باشد ما شاهد اینگونه فجایع خواهیم بود.

اما مردم ستم دیده در کردستان و دیگر شهر ها ایران، دانشجویان و زنان مبارز با اعتراضات تاکنونی خود نشان دادند که در مقابل این کشتار سیستماتیک خواهند ایستاد.

زنان و مردان ستم دیده می دانند که با اتحاد و همبستگی و مبارزه مداوم می توانند به این ظلم و ستم و تبعیض پایان دهند تا دیگر اربابان زور و ستم نتوانند فرزندان ما را به قتل برسانند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به خانواده مهسا امینی تسلیت گفته و خود را شریک از دست دادن فرزند دلبد آنها می داند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به قتل رساندن ژینا امینی را محکوم کرده و خواستار شناسایی، معرفی و مجازات عاملان و آمران این جنایت بوده و خواستار لغو تمام قوانین ضد زن می باشد.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه



اعلامیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

در محکومیت قتل مهسا امینی

قتل جنایتکارانه و بی رحمانه "مهسا امینی" دختر ۲۲ ساله اهل سقز توسط پلیس گشت ارشاد در تهران، موجی از خشم و نفرت از حکومت ظلم و جور را در جامعه برانگیخت

زن ستیزی و خشونت علیه زنان از طریق اجرای قوانین ارتجاعی دینی یکی از ابزارهایی بوده که با استفاده از آن کوشش شده تا زنان را بیش از پیش به انقیاد درآورند

علاوه بر این از وجود انواع تبعیض و نابرابری و استثمار زنان در محیط کار گرفته تا آزار و اذیت، توهین و تهدید به اخراج و حتی تجاوز به آنها تحت حمایت قوانین موجود و تحمیل فقر و تنگدستی برای سوء استفاده بیشتر، همواره آن ها را در موقعیتی فرودست تری قرار داده است

تشدید این وضعیت اما زنان را بیش از هر زمان دیگری به مبارزه برای رهایی و بازستاندن حقوق پایمال شده خود مصمم ساخته، به گونه ای که اکنون ایفای نقش بارز و جسورانه زنان در جنبش های اجتماعی و اعتراضی و به خصوص در جنبش کارگران معلمان و بازنشستگان، موجب وحشت و هراس روزافزون حکومت شده و خواب از چشمانشان روده است

تشدید فزاینده چرخه سرکوب و توحش جانپان حکومت، امروز جامعه را در شرایط عصیان و انقلاب قرار داده است و ضرورت

اتحاد عمل و همبستگی عملی برای پایان دادن به این شرایط جهنمی را برجسته ساخته است

مهسا فرزند ماست، عضوی از خانواده ماست و مهسا ها بسیارند

بنابراین نباید اجازه داد چنین فجایع و جنایاتی تکرار شود

عاملین و آمرین آن باید محاکمه و دولت باید جوابگو شود

گشتهای ارشاد این نیروی سرکوب باید فوراً جمع شود

حجاب اجباری لغو شود

همه زنانی که به جرم تن ندادن به این اجبار در زندان هستند باید فوراً آزاد شوند

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت ضمن ابراز همدردی با خانواده "مهسا" همه همکاران نفتی و همه کارگران مراکز کاری را برای این مهم به همبستگی بیشتر فرا می خواند

در برابر این گونه جنایات نمی توان سکوت کرد

باید در مقابل این شرایط ایستاد و فریاد اعتراض سرداد

اعلامیه کانون مدافعان حقوق کارگر

قتل مهسا امینی جنبش اجتماعی ایران را از خشم به سازماندهی تبدیل کرد



داستان قتل ژینا (مهسا) امینی تجسم جامعه ای است که هر روز زنان اش با سرکوب بیدار می شود و با سرکوب و نگرانی نمی گذارند جامعه این ظلم را بخواب ببرد.

از بدو قدرت گیری جریانات مذهبی در ایران اولین دشمن بنیادگرای حقوق زنان و حتی پوشش آنها اعلام شد. بسیاری از افراطیون در سرکوب زنان هر گونه فساوتی را حق خود می دانستند چون زنان بخشی از دارایی آنها حساب می شوند. افراطیون از هر اذیت و آزاری کوتاهی نمی کردند حتی زدن پونز بر روی پیشانی زنان. زیرا کنترل کردن زنان یعنی داشتن امکان برای سرکوب هر حرکت دیگری در جامعه و کنترل جامعه زیر پوشش حق مذهبی و تئوریسین هایشان هم آن را بعنوان نسبت فرهنگی می فروختند.

با شروع گرفتن قدرت در کمیته های محلی - سرکوب قانونی شد، از خانه و محله ها شروع شد و به محیط های کار رسید و " در ۱۰ تیر ۵۹ حجت الاسلام ری شهری رئیس وقت دادگاه انقلاب در بخشنامه ای نوشت از ورود آن دسته از پرسنل زن که پوشش اسلامی ندارند به اماکن نظامی و سرویس های رفت و آمد جلوگیری به عمل آید."، آن سیاست سرکوب زنان هیولایی ساخته است که بدترین مکان های سرکوب را در اختیار دارد، از سال ۱۳۸۴ مسئولیت وضعیت پوشش زنان به نیروی انتظامی واگذار شده و هر سال بودجه هنگفتی خرج این دم و دستگاه مروج خشونت علیه زنان و جامعه می شود، نگاهی سطحی به عملکرد و سرنوشت کارگزاران این دستگاه (سرتیپ پاسدار اسماعیل احمدی مقدم، سرتیپ پاسدار احمد رضا، و سردار رضا زارعی) که هرکدام در غارت مال و زندگی مردم پرونده دارند مشخص می کند که تا چه حد گشت ارشاد در جامعه نقش نه تنها سرکوب و ارباب است بلکه امین و دلسوز جامعه نیستند و دشمنی برای امنیت و آسایش مردم هستند.

عکس العمل زنان در طول این تاریخ چه بوده است، بسیاری از خاطرات سیاسی زنان نشان می دهد که از سال ۵۸ فعالین زنان دستگیر شده اند و ۱۸۷ دختر زیر هیچده سال در سالهای شصت به حکم دادگاه شرع اعدام شدند که یک نمونه آن "جنین هشت ماهه طاهره آقاخان مقدم در شکم مادرش تیر باران شده است." اینان به خیال خودشان با ایجاد فضای رعب و وحشت چون دهه ۶۰ خواهند توانست بار دیگر مردم به سکوت و خاموشی وادار کنند در حالی که عملکرد امروزشان نه تنها گذشته خونبار شان را بدست فراموشی نمی سپارد بلکه نفرت و خشم مردم را افزون کرده و ستمگران در این آتش خشم مردم خواهند سوخت.

قتل مهسا امینی در برهه ای از تاریخ اجتماعی اتفاق افتاده است که دیگر جامعه به دو قطب تقسیم شده است. در زمانی که مردم با هر جرعه ای آتش خشم شان شعله ور خواهد شد و حکومت بخوبی از این موقعیت بشدت بحرانی که در آن گرفتار شده است با خبر است و به همین دلیل تلاش می کند با حکومت نظامی و گسیل نیروهای سرکوبش جامعه را در رعب و وحشت نگه دارد اما این حاکمان هرگز به عاقبت سیاستهای ضد انسانی شان فکر نمی کنند.

زنان بدون شک یکی از اصلی ترین نیروهای مبارزه با ظلم و ستم و دگرگونی جامعه ایران هستند و به همین دلیل همه نیروهای سیاسی و امنیتی حکومت خواهان ماندگاری این وضعیت می باشند و در یک موضوع متفق القول هستند که پذیرفتن حق زنان یعنی تغییر بنیادی در جامعه ایران بهمین دلیل هم دیگر نه تئوری های نواندیشان دینی جوابگوی این جنایت است و نه کسی حاضر به پذیرش دستگاه ارباب (ارشاد) عمومی است. جامعه در مقابل این سرکوب سازمان یافته عمل سازمان یافته نشان می دهد. دیگر نمی توانند که حق زنان را زیر پوشش مبارزه با استکبار بیش از این نادیده بگیرند. دیگر نمی توانند حجاب را با چماق به زنان تحمیل کنند. اعتراضات سازمان یافته در تمامی جامعه نشان می دهد که برگی زرینی در حال رقم خوردن است و حتما این اعتراضات با مبارزات زحمتکشان برای آزادی زنان گره می خورد و همه در این مسیر در کنار هم هستند. برداشتن حجاب زنان با کنار گذاشتن حجاب دروغین قدرتمدارانی گره خورده است که زیر پوشش دینی می خواهند جامعه را با ابزار مذهبی جدید سرمایه داری معاصر مذهبی ادامه دهند.



کانون مدافعان حقوق کارگر

شهریور ۱۴۰۱ ۲۶

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران

اتحادیه آزاد کارگران ایران

مهسا امینی دختر ۲۲ ساله‌ی اهل سقز که پس از بازداشت توسط مأموران گشت ارشاد به کما رفته بود، عصر جمعه ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۱ جان خود را از دست داد

مهسا به همراه خانواده‌اش به تهران سفر کرده بود که با چنین سرنوشتی دردناکی روبرو شد. او غروب سه‌شنبه ۲۲ شهریور به همراه برادرش در ایستگاه متروی حقانی بود که بازداشت شد و تنها پس از دو ساعت پیکر نیمه‌جانش را با آمبولانس به بیمارستان کسری منتقل کردند و در نهایت پس از ۳ روز جان باخت.

نیروی انتظامی در پی انتشار خبر این قتل و واکنش‌های گسترده‌ی مردمی به آن، درصدد لاپوشانی واقعه برآمد و طی اطلاعیه‌هایی اعلام کرد که هیچگونه بدرفتاری با مهسا صورت نگرفته است و او به طور ناگهانی دچار عارضه‌ی قلبی شده است. این تشبثات و ریاکاری‌ها نمی‌تواند مردم را فریب دهد چرا که، این نه اولین بار است که چنین جنایتی توسط ارگانهای سرکوب حکومت رخ میدهد و نه مردم به برخوردهای سرکوبگرانه‌ی اینان ناآشنا هستند.

خبر مرگ مهسا در عصر روز جمعه موجب خشم عمومی مردم در سراسر کشور شد و همزمان با واکنش‌های گسترده در فضای مجازی، دسته‌هایی از مردم معترض به سمت بیمارستان کسری راهی شدند، اما حکومت زن‌ستیز و ضد آزادی، پیشاپیش برای مقابله با هر تجمعی نیروهایش را به مسیرهای منتهی به بیمارستان کسری گسیل کرده بود.

این چرخه‌ی سرکوب حکومت که چهل و چهار سال است سایه‌ی سیاهش بر سر جامعه افکنده شده است، بی‌شک بیشتر از هر کسی خشم و خونخواری‌اش را علیه زنان به نمایش گذاشته است.

حاکمیتی جبری و تحمیلی به مردم ایران که تنها راه بقای خود را در غارت و چپاول تمامی ثروت‌های جامعه از یکسو و از سوی دیگر شدت بخشیدن به استثمار و انقیاد آحاد جامعه می‌دید، لاجرم گسترش اختناق و سرکوب و خفه کردن مردم را رکن جدائی‌ناپذیر از اعمال قدرتش قرار داد.

برای همین، زن‌کشی و انسان‌کشی در ایران نه یک اشتباه و قصور و یا صرفاً بخاطر وجود "گشت ارشاد"، (که با مطالبه‌ی صرف برچیدن آن این روند خاتمه یابد)، بلکه جزو ارکان اصلی بقای حاکمیت است.

از این روست که جهنمی که بیش از چهار دهه به جامعه ایران تحمیل شده است، با هر درجه پیشروی اعتراضات مردم، از سوی حکومت داغ‌تر خواهد شد و لاجرم بخش‌های مختلف جامعه را به این نقطه خواهد رساند که باید به سوی مصاف نهایی برای تعیین تکلیف این وضعیت فاجعه‌آمیز گام بردارد.

ما بعنوان طبقه‌ی کارگر ایران، همواره بستر اصلی تعرض استثمارگرانه و انقیادطلبانه حکومتگران و شرکایش بوده‌ایم و هر درجه آزادی‌ستیزی نهادهای سرکوب مستقیماً علیه ما کارگران و مزدبگیران نیز عمل کرده و خواهد کرد.



از این رو و همانطور که بارها تاکید کرده‌ایم، اعلام می‌کنیم که ما کارگران ایران در صف اول مبارزه برای آزادیخواهی در کنار زنان به ستوه آمده از این منجلاب ضدبشری هستیم و خواهیم بود.

همکاران و همسرنوشتان در سراسر کشور!

کارگران مراکز بزرگ و تولیدی و صنعتی، کارگران صنایع نفت و پتروشیمی، کارگران صنایع فولاد، کارگران ایران‌خودرو و تمامی مزدبگیران سراسر کشور!

پایان دادن به این وضعیت جهنمی که برای ما ساخته‌اند و هر روز عزیزانمان را به کام مرگ و نابودی می‌کشاند در دستانتان توانمند شماسست. نگاه جامعه و مردم به دستانتان شماسست که با خواباندن چرخ‌های تولید به جهنم موجود پایان دهید.

گذر از وضعیت فاجعه‌آمیز موجود در قدم اول در گرو اتحاد کارگران و مزدبگیران با دیگر جنبش‌ها و هر صدای آزادیخواهانه‌ای در جامعه است و دوم، گام نهادن به مصافی نهایی برای دست بردن به ریشه و خلاصی از جهنم موجود است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران- ۲۶ شهریور ۱۴۰۱

با تمام امکانات از خانواده‌های زخمی‌ها و بازداشت شدگان حمایت کنیم!

از صلیب سرخ بخواهیم مرکزی برای مداوای زخمی‌های در ایران تاسیس کند!

از شورای حقوق بشر سازمان ملل بخواهیم نمایندگانی را برای بررسی وضعیت زندانیان سیاسی به ایران اعزام کند!





کشته شدن ده‌ها تن از جوانان آزادیخواه توسط سرکوبگران حکومتی در شهرهای مختلف.
دستگیری هزاران نفر از معترضین
و زخمی شدن صدها نفر در اثر اصابت گلوله
زنده باد جنبش دمکراتیک و آزادیخواهانه مردم ایران!



نابود باد استبداد و بی عدالتی

مبارک باد همبستگی و اتحاد نیروهای شرکت کننده در جنبش سراسری





تداوم بازداشت رهبران سندیکایی در زندان با امتناع از پوشیدن لباس زندان



بازداشت رضا شریفه معلم بازنشسته در سنندج

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>